



۲۰۲۰/۰۹/۱۰

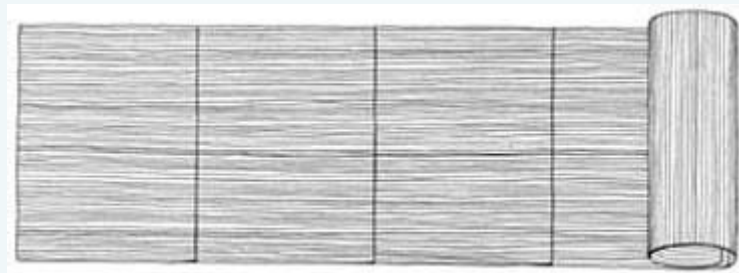


ناصر پورپيرار / ارسالی - ش.ساپی

یاد داشت بی بدیل

در این مختصر تنها نگاهی بر این فرقه بیاندازم که آیا نوشتن و ساخت کتاب، به طور کلی و در بحث جاری، به خط و زبان فارسی و عربی، از چه زمانی میسر شده است؟ خروج خردمندانه از این مدخل و مقدمات، شاید به اسارت کنونی و عمومی ما در تار و پود مطالب و سطور کتاب هایی پایان دهد، که علی الاصول و بر مبنای احکام و قرینه های موجود، به شرحی که بیاورم، تا زمانی بس دراز، قابل نگارش نبوده است.

«برگه ی شناس نامه کارگاه سازنده را بر هر رول پاپيروس می چسبانده اند که به نسبت اصل رول از جنس ضخیم تری تهیه می شد. گاه نیز رول های پاپيروس را میان محفظه ای محکم از جنس شیشه یا سفال قرار می دادند و یا میان برگه هایی از پوست می پیچیدند. به گفته ی پلینی در دوران رومیان و اعراب، هر رول پاپيروس شامل بیست برگ بود... رول پاپيروس گران بود. در قرن سوم هجری بهای هر رول ۱.۵ دینار بود، در حالی که اجاره سالیانه یک فدان (یک قطعه زمین زراعی) یا یک باب مغازه، یک دینار بود. پس مردم عادی قادر نبودند از پاپيروس استفاده کنند و کاتبان، متن را بر یک سمت برگه ها می نوشتند و چون گاه متن روی پاپيروس ارتباطی با سمت دیگر آن ندارد، احتمالاً گیرنده نامه، جواب آن را در سمت دیگر می نوشته که البته تا حدودی بی نزاکتی محسوب می شد. نویسندگانی که ناگزیر پاسخ را بر سمت دیگر می نوشتند، چنان که در نمونه ۹۲ آمده، با نوشتن عبارت «عذرنا فی القرطاس» از گیرنده نامه عذرخواهی می کردند، این عذرخواهی به آن معنا بود که پاپيروس نانوشته در اختیار نبوده است». (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قبالة ها، ص ۱۸، متن اصلی)



تصویر ۱. نمونه ای از یک رول پاپيروس برگرفته از همان منبع

با دقت در متن بالا بدون اندک ابهامی روشن می شود که منظور از قرطاس در زبان عرب و در قرآن مبارک، نه کاغذ، که پاپيروس است و در واقع پاپيروس فارسی برداشتی از لغت پاپیری لاتین است که هر دو را در برابر قرطاس عرب گذارده اند. شرح فوق، که به دنبال توضیح عمل آوردن پاپيروس آمده، حکایت آموزنده ای است برای ذکر علت گرانی قطعه ای پاپيروس، که در تجارت خانه ها، در مکاتبات خصوصی دارندگان توانایی مالی و فرهنگی و در حوزه حکومت ها کاربرد داشته است. در آن

د پائو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

جغرافیای اسلامی و غیر اسلامی، که گیاه پاپیروس روئیده نمی شد، تا قرون متمادی، بر پوست می نوشته اند، که فراهم آوردن آن نیز، با نظیر همین گلابه و گفتار قرین است.

«برای آماده کردن پوست ابتدا به آن نمک می زدند تا از فساد آن جلوگیری کنند، سپس تمامی چربی ها و گوشت های باقی مانده بر پوست را می تراشیدند و در ماسه یا شن می خواباندند و سپس با نیروی تمام از همه سو می کشیدند و خشک می کردند... از آن که پوست به عمل آمده گران بود، صحاف به روش خاص از کناره های پوست نیز استفاده می کرد». (فرانسیس دروش، سبک عباسی، ص ۱۷)

این شرح آماده سازی و عمل آوری دشوار برگه ای از پوست، که بتوان بر آن قلم دواند، گرانی بیش از حد رقیقه ای از آن را موجه و در عین حال معلوم می کند که سخن ابن ندیم در باب آن همه مولف و کتاب، تا پیش از قرن سوم هجری، از جمله تدارک پنج هزار مجلد، از جانب جابر ابن حیان، کم ترین امکان فنی و مادی نداشته است، زیرا اگر بهای ماده ی اولیه ی هر بیست برگ پاپیروس و یا پوست نوشته ۱.۵ دینار بوده است، پس تدارک فقط یک نسخه از ۵۰۰۰ جلد کتاب، با حجم معمول یکصد برگ و به تسعیر امروز، لاقلاً ۵ میلیارد تومان هزینه ی مواد اولیه می برده، که تأمین آن حتی برای کیمیاگری چون جابر بن حیان نیز ممکن نبوده است!!!

تا امروز موثق و مفصل تر، از دو منبع و مرجع بالا، یعنی کتاب سبک عباسی و کتاب جفری خان، درباره ی قطعه نگاری های قرآنی و غیرقرآنی، تا قرن ششم هجری، که با نمونه و شواهد همراه باشد، تالیفات دیگری نداریم. تاملی در داده های قابل تأیید این دو منبع، قاطعانه ادعای هر نوع کتاب نویسی اسلامی، لاقلاً تا قرن هفتم هجری را، به شرحی که بیاید، ابطال و عمده ترین منابع تاریخ اسلام و مدارک و مستندات فرقه های آن را نیازمند بازنگری دیگری می کند. کتاب «نامه ها، صورت حساب ها و قبالة ها»، ۲۶۰ قطعه پاپیروس مصری را شناسانده است که تمام پاپیروس های یافت شده از قرون نخست اسلامی در گنجینه ی خلیلی را شامل می شود. در میان این یادگارهای گران بها، گرچه مطالب فراوانی است که به فهم درست تر از اوضاع اجتماعی و تاریخ اسلام نیز کمک می کند، اما قصد من از طرح مسئله در این مبحث نه بررسی اجتماعی - تاریخی، که کنجکاو ی فنی است.

حقیقت مسلم و بی تردید این که گذر از مقدماتی برای رفع خامی از خط عرب، تدوین قواعد صرف و نحو، نقطه و علامت گذاری بر حروف، تا حدی که بتوان قرآن را برای ده ها ملت متنوع غیرعرب از صورت محفوظات به مکتوبات قابل قرائت بدل کرد، تنها با تلاش طاقت فرسا و طولانی ممکن شده و قرون متمادی زمان برده است. این مطلبی است که علاوه بر اعتراف کافه ی محققین، نمونه های به جای مانده از خط عرب در قرون نخست اسلامی نیز، نه فقط تأیید می کند، بل زمان این بلوغ را، لاقلاً تا اواخر هزاره ی نخست اسلامی، به درازا می کشاند.

«خطاطان و خوش نویسان تا اواخر قرن چهارم، قرآن را به خط کوفی می نوشته اند و خط زیبای نسخ در اوایل قرن پنجم جای خط کوفی را گرفت. از این قرن به بعد در خط قرآنی، تمام نقطه ها و نشانه هایی که هم اکنون، کم و بیش، معمول و متداول است. نوشته می شد». (محمد باقر حجتی، تاریخ قرآن کریم، ص ۴۸۴)

د پانو شمیره: له 2 تر9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بدین ترتیب و فقط بر مبنای تحقیقات ناکافی کنونی، بلوغ خط عرب برای کتاب نویسی در پایان قرن چهارم و اوائل قرن پنجم را پذیرفته اند، این نوشته در پی ارائه ی اسنادی است که ثابت کند این بلوغ تنها پس از قرن هفتم و بل هشتم هجری میسر شده است. درباره ی قرآن نویسی در گذر قرون، به قدر نیاز این بحث، به خواست خدا، در یادداشت بعد مطلب خواهم آورد، اما اینک به کتاب «نامه ها، صورت حساب ها و قباله ها» می پردازم که انحصار به پاپيروس نوشته ها دارد. غالب این اوراق پاپيروسی تاریخ کتابت ندارد و نمونه های تاریخ دار آن بر دو دسته است: یا برابر روش مصطلح امروز، بدون اعلام واحد سده، مثلاً به صورت سال چهل و هشتم آمده، که مگر از طریق تطبیق، آن هم به حدس و گمان نه چندان محکم، سده گذاری بر آن ها به طور دقیق ممکن نیست و درحال حاضر قاطعانه نمی دانیم که این گونه دست نوشته ها از کدام قرن به جای مانده و یا این که پاپيروس نوشته به تاریخ کامل ماه و سال و روز اشاره می کند، که دورترین آن متعلق به شنبه روزی از ماه شوال سال ۱۰۴ هجری است.



سند ۲

سند ۱

«این دو سند به یک نفر با نام عبدالله بن حنان مربوط می شود. سند اول درباره ی وصول ۱۳ میش شیرده است. (سند ۱) بسم الله الرحمن الرحيم. سند ترک دعوی عبدالله بن حنان از بابت ۱۳ میش شیرده سلیمان بن کلب العلوی. میش های شیرده را جریر بن نمیر برای سلیمان بن عطیه آورده است. صبر بن... مسلم بن ابویلا و عبدالرحمن بن ابویلا، دو عامل او شاهد بودند. در تاریخ **شنبه سال ۱۰۴ هجری** نوشته شد. دومین سند، رسید دریافت است. گویا عبدالله بن حنان نامی مبلغی از شخصی که اینک فوت کرده، قرض گرفته و یکی از وارثان به نام سلیمان بن احوض الحذرمی مدعی سهم خود شده و گویا وارث دیگر به نام حریت بن سربج الحذرمی هم مرده و وارثی باقی نمانده و عبدالله از باقی مانده ی بدهی بری الذمه شده است: (سند ۲)

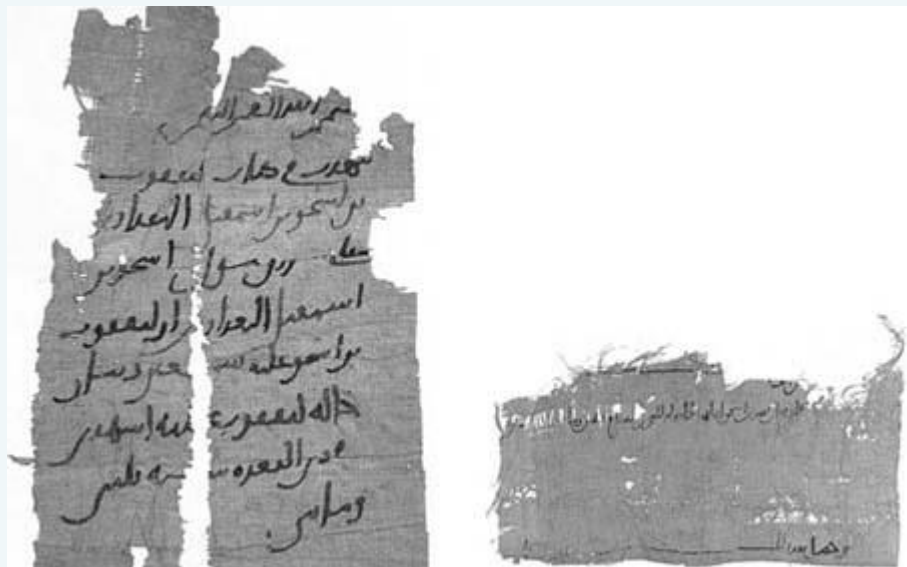
د پانو شمیره: له 3 تر9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

بسم الله الرحمن الرحيم. این سند برائت عبدالله از بدهی است که به عهده ی او بوده است. سلیمان بن احوض الحذرمی آن را دریافت کرده و عبدالله بری الذمه است. عبدالله بن سلیمان و سلیمان بن احوض و عبدالملک بن ایوب شاهد بودند و در شنبه سه روز [مانده از؟] **شوال سال ۱۰۴ هجری نوشته شد**. پس از کلمات «ثلاث ایام» **کلمه ای حذف شده** و معلوم نیست منظور نویسنده سه روز اول یا آخر ماه شوال بوده است. پس تاریخ ثبت سند احتمالاً یا سوم یا بیست و ششم ماه شوال سال ۱۰۴ هجری است». (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قبالة ها، ص ۱۷۷، متن اصلی)

در این جا تفسیر مولف کتاب از تاریخ نگارش سند نادرست است، زیرا که ماه شوال ۱۰۴ هجری از یک شنبه آغاز و به چهارشنبه ختم می شود، پس با قول قوی، کلمه حذف شده، به جای سه روز «مانده از» شوال، باید سه روز «پس از» شوال خوانده شود، تا تطبیق آن با روز شنبه درست درآید. در مجموع و از آن که غالب این برگ نوشته های پاپیروسی در طول زمان آسیب بسیار دیده است، غالب تفسیرهای متن آن ها، به خصوص در جزییات، مبنای احتمال دارد، اما به هر حال نمونه های بالا قدیم ترین سند تاریخ خورده در میان اسناد پاپیروسی تاکنون یافت شده پس از اسلام در آن گنجینه است، که روشن می کند کاتبان و نام بردگان در ماجرا، با عنایت به زمان و اسامی، عرب اند، زیرا می توان پذیرفت که در آن مقطع هنوز فرهنگ و خط و نگارش عرب در میان مصریان قبطی، در حد کتابت و نثر این گونه اسناد مکتوب ممکن نبوده است.

«روی پاپیروس: باقی مانده ی سپاهه ای است که طبق آن اجاره ی ماه محرم سال ۲۸۴ هجری به نصر بن اسحاق پرداخت شده است.» (سند ۳) «**دفع الی نصر بن اسحاق ارزاقه الجاریه له للمحرم سنة اربع و ثمنین و مائین**». (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قبالة ها، ص ۱۹۹ متن اصلی)



سند ۴

سند ۳

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

لااقل یک پایه ی داد و ستدها در غالب این اسناد پاپیروسی، با عنایت به اسامی دخیل، یهودی می نمایند و اگر جدای از این کنکاش فرهنگی و فنی، زمانی فراغت لازم برای برداشت های تاریخی و حتی دینی، از این پاپیروس ها میسر شد، شاید بتوان قبول کرد که طرف های قراردادهای دولتی و رسمی نیز غالباً یهودیان بوده اند.

«متن پاپیروس به این شرح است: (سند ۴)

«بسم الله الرحمن الرحيم. شاهد بودم که میان یعقوب بن اسحاق بن اسماعیل البغدادی و هارون، بنده ی آزاد شده اسحاق بن اسماعیل البغدادی قرار ی بود و آن بنده، ۹۰ دینار به یعقوب بدهکار است. **در ذی القعدة سال ۲۲۰ هجری** از من شهادت خواستند». (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قبالة ها، ص ۱۸۰ متن اصلی»

کثرت نسبی نمونه های باقی مانده از چنین اسنادی، در دست نوشته های پاپیروسی، و فور عمل به آن توصیه قرآن را نشان می دهد که داد و ستدها را به قید کتبی، معتبر و موثق تر می داند. در این میان نمونه های دیگری است که در مجموع تاثیر عمیق آموزه های قرآن بر ضوابط رفتاری و سلوک اجتماعی را نیز، به نحو احسن منعکس می کند.



سند ۵

«روی پاپیروس: نامه راجع به یک موضوع خانوادگی است: (سند ۵)

«بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند عمر طولانی و با عزت و سربلندی به تو عطا کند و در دنیا و آخرت مشمول رحمت و مغفرت و فضل او باشی. چندی است نامه ای از تو دریافت نکرده ام و... نگران شده ام. امیدوارم با سلامتی یکدیگر را ملاقات کنیم که خدا بر همه چیز قادر است. اما بعد، خداوند لطف اش را شامل حال تو کند - آن قدر گرفتار بودم که نتوانستم برایت نامه بنویسم. امیدوارم به سلامت بازگردم. برایم نامه بنویس و مرا از حال راصد - خدا حفظ اش کند - و مادرت و امین و عباس - خدا حفظ شان کند - با خبر کن.

د پانو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

برایت یک روسری خریده ام. فقط یکی یافتیم. از خودتان خبر بده که ان شاءالله از شنیدن خیرهایتان خوش حال خواهیم شد. فقط یک ماه و تا پایان طوبه از شما دور خواهیم بود. امیدوارم با سلامتی همدیگر را ملاقات کنیم. ان شاءالله بسته ام به دست ات می رسد. سلام مرا به راصد - خدا حفظ اش کند - مادرت و خواهرت و عباس برسان. **احوال صاحب خانه ی یهودی را هم بر ایم بنویس.**» (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قباله ها، ص ۱۲۶ متن اصلی)

سرریز احساسات انسانی و توجه به میانی و مهربانی، تنها نشانه هایی نیست که از این نامه نمایان است. تاثیر نحوه ی بیان و بلوغ کلام، که سایه ی فصاحت و وصایای قرآن را بر سر الفاظ آن گسترده می بینیم، تاریخ نگارش این نامه را، گرچه تصریحی در آن نیست، اما منطقا به پس از قرن سوم هجری منتقل می کند، که بیان قرآن به جان مسلمان مصری رخنه ی کافی داشت و نگارش چنین نامه ی غنی از کلمات به زبان عرب را بر آن مردم میسر کرده بود. در پایان این نامه نیز، باز هم کرایه بگیر و صاحب خانه، یهودی معرفی شده است.



پشت سند ۶، نوشته شده بر عرض همان پاپیروس

روی سند ۶، نوشته شده بر طول پاپیروس

«روی پاپیروس: رسید دریافت مبلغ ۵ و پنج ششم دینار است: (سند ۶)»
 «بسم الله الرحمن الرحيم. از ابوالخریل حصیر فروش ۶ دینار، یک ششم کم تر، دریافت کردم. این مبلغ را ابوالرفیع و ابراهیم ابن محمد العلایی در جمادی الاخر سال ۲۸۵ به من رسانند. این رسید را محمد بن عبدالجبار با دست خود نوشت.»

پشت پاپیروس: آغاز یک رسید است که با عبارت «الذی قبض یوم الاربعاء»، به این معنا که روز چهارشنبه دریافت شد...». (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قباله ها، ص ۱۸۲ متن اصلی)

اگر اجاره بها را ملاک بگیریم و به متن های صریح تر دیگری نیز عنایت کنیم، گاهی بوی روابط ربوی، در اشاره به مبالغ کلان نیز، از این اسناد به مشام می رسد، که سوی وام دهنده ی آن نیز یهودی است.

د پانو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

«روی پاپيروس: بنا بر متن، خراج تا آخر ماه ربيع الاول سال ۵۲۸ هجری پرداخت شده. (روی سند ۷) «ديوان الخراج استوفى الى سلخ ربيع الاول سنة ثمانين و عشرين و خمس مئه». پشت پاپيروس: رسید رسمی مالیات بر اراضی. پس از یادداشت های اولیه مربوط به ثبت رسید در محضر رسمی و بسم الله، متن با عبارت «صح...» آغاز و حروف به صورت گرد و منحنی نوشته شده است.» (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قباله ها، ص ۲۸۲ متن اصلی)



روی سند ۷

پشت سند ۷

تشکیک در صحت و اصالت این دست نگاشته های پاپیروسی موجه نیست، زیرا ابزار تردید در چنین اسناد بی آزاری که سود و زیان فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی متوجه سازنده ی آن ها نمی کند، موردی ندارد، به خصوص که دنبال کردن مکاتب و مکان های نگارش آن ها، نشان می دهد که با انتقال اطلاعاتی کهن مواجهیم. منظور من از ارائه ی این چند نمونه، توجه دادن به نوع نوشتار خط عرب، حتی در میان دارندگان کفایت نگارش، در فاصله ی دراز قرن دوم تا ششم هجری بوده است. کشیدگی بشقاب وار حرف نون، شباهت کامل قاف های آخر با حرف واو کنونی، نمایش د و ذ و ر و ز به صورت یکسان و فقط با رسم یک خط شبه عمود، فرم انتهایی حرف یای آخر و بسیاری علل و عوارض دیگر، تفهیم می کند که نگارش به خط عرب، تا شش قرن پس از طلوع اسلام، هنوز اسلوب معینی نداشته، تغییر واضحی نکرده و در حد نیازهای محلی متوقف مانده است. اگر کاتب دستگاه استیفای خراج به قرن ششم هجری در مصر اسلامی نیز به شمایل سند شماره ی ۷ قلم زده است، پس واضح می شود که خط عرب تا آن زمان خود را نیازمند مکتبی در تسهیل قرائت و انضباط نگارش نمی دیده که نخستین ابزار کتاب نویسی، گسترش فرهنگ اسلامی و توزیع مکتوب فرامین قرآن در خارج از حوزه ی زیستی اعراب بوده است! با این اشاره، ادراک مسائل فرهنگی

د پانو شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در قرون نخست اسلامی بر پایه ی قطوری قرار می گیرد که توجه می دهد گستردگی نگارش و آماده سازی خط عرب برای عرضه ی کتاب، به صورتی که هر مسلمانی در هر حوزه ی جغرافیایی، به خصوص شرق جهان اسلام، توان قرائت خط عرب و برداشت از آن را داشته باشد، به زمانی بس دورتر از روزگار ابن مقله و ابن یوَاب ناشناسی قرار می گیرد که امروز بر آن ها باور داریم و می گویند در قرن چهارم خط نسخ ساخته اند. حاصل ثانوی که از غور در این گفتار برداشت می شود، این که مسلمین تا قرون متمادی، به استعانت و بهره گیری از قرآن بسنده کرده و غت و ثمین خود را تنها در آن متن تا ابد کامل و شامل جسته اند.

اگر در جهان عرب نیز نوع نگارش حروف تا قرن ششم هجری به وجهی است که در نمونه های این پاپیروس ها می بینیم، آیا چه گونه ایرانیان این همه تاریخ و تفسیر و سیره و مغازی در قرون نخست اسلامی نوشته اند؟ به راستی اگر عرب در قرن ششم و آن هم در مرکز مصر و در میان صاحبان فن و فرهنگ و افزارمندان رسمی حکومت، هنوز برای کاف و قاف و نون و واو خود اسلوب واحد و امروزی نگارش را ندارد، پس مسلم است فارسیان که وام دار خط و حرف نویسی عرب اند، اگر در قرن چهارم هجری شاهنامه داشته اند پس باید از حروف بومی و سنتی بی علامت و بدون نقطه و نظم عرب بهره برده باشند، که برای غیر عرب و آن فارس های ادعا شده ی شاه نامه خواه و آن شاعر فردوسی نام شاه نامه سرا، قابل استفاده و ادراک نبوده است!!! این مطلب صراحتاً بدان معنی است که قلم به دست فارس، ابتدا باید منتظر این تحول در نحوه ی نگارش عرب می ماند، تا بداند بر دندانان ای، نقطه پ و ت و ث را در کجا و به چه تعداد بگذارد، سپس نگارش به خط فارسی را آغاز کند که گرده برداری از خط و حرف عرب است. با این نگاه ادعای وجود خط و زبان فارسی، لااقل تا قرن هفتم هجری، به شوخی دل خراشی بدل می شود و این برداشت سالم را بدیهی می کند که زبان فارسی همراه مهاجرانی صفوی نام گرفته، به ایران رسیده است، زیرا هیچ زبان واقعاً مستقری قادر نیست نگارش به لفظ خود را تا زمان دریافت الفبا از همسایگان خود متوقف کند و به تعویق اندازد! مختصر این که ایستایی فن و فقدان نمایشات تکامل خط، در این نمونه های پاپیروسی و نیز نحوه نگارش در سکه های اسلامی اعلام می کند که تا قرن ششم هجری، کاتب دولتی مصر و سر سکه ساز خلیفه، هنوز با اسلوب خط نسخ و رفاع و غیره آشنا نبوده، بدون شک قرآنی نگاشته با شیوه نسخ را ندیده و حروف نگاری با علامت گذاری و هویت کامل کنونی را نمی شناخته و این نشانه ی روشنی است که تاریخ تدوین خط بالغ شده عرب را، لااقل به قرن هفتم هجری منتقل و امکان کتاب نویسی به زبان فارسی و عرب را قرون قابل توجهی به زمان ما نزدیک تر می کند.



سند ۸. پشت و روی سکه المستظهر بالله از سنه
عشرین و خمس مائه، قرن ششم هجری، برگرفته
از ص ۴۱۹ کتاب گنجینه ی سکه های نیشابور .

سند ۸. پشت و روی یک سکه اموی از اواخر
قرن اول هجری، برگرفته از ص ۲۰۱ کتاب
نخستین سکه های امپراطوری اسلام.

د پانو شمیره: له 8 تر9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

آیا چه تفاوت میان حروف و الگوی نگارش این دو سکه، با چهار صد و چهل سال فاصله ی زمان می بینید؟ به طور اصولی هیچ!!! آیا آن پاپيروس ها و این سکه ها از توقف بلوغ در خط عرب، در اندازه ی همان مقیاس فرهنگ بومی خبر نمی دهد، که بدون شک ما را در قبول نگارش این همه کتاب، به خط و زبان اعراب و فارسیان، در قرون اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم، که منبع اصلی اختلاف و فرقه سازی در میان مسلمین است، دچار بدگمانی می کند؟ زیرا اگر اعراب در اندیشه ی گسترش فرهنگ مکتوب اسلامی به جهان بوده اند، مقدم بر همه باید که ابزار نگارش، یعنی خط شان را به شایستگی و بالندگی این آرمان می رساندند. این تصور که در زمان المستظهر بالله خط نسخ فراهم بوده باشد و خلیفه سکه اش را به قیاس نگارش قرن نخست هجری ضرب کند، نه فقط سالم نیست که ناممکن است. اگر اندکی دیگر زمانه فرصت دهد در یادداشت بعد به خواست خداوند ثابت خواهیم کرد که مسلمان عرب، تا قرون متمادی جز قرآن را ننوشته و هیچ متنی را برتر و ضرورتر از آن نانگاشته است.

[[[ادامه دارد]]]

<http://www.naria.info/view/1.aspx?id=434>

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ